

معرفت و امر قدسی

سید حسین نصر

ترجمه فرزاد حاجی میرزائی



سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کتبی

رده بندی دهایی

شماره کتابشناسی ملی

نصر، حسین، ۱۳۱۲- Nasr, Seyyed Hossein

معرفت و امر قدسی / سید حسین نصر : ترجمه فرزاد حاجی میرزائی.

تهران : فرزاد روز، ۱۳۹۵.

۲۹۲ ص.

۰ - ۴۳۴ - ۳۲۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فیبا

Knowledge and sacred : عنوان اصلی :

کتاب حاضر تحت عناوین متفاوت در سالهای مختلف توسط ناشران و مترجمان متفاوت منتشر

شده است.

: شناخت (فلسفه دین)

Knowledge, Theory of (Religion):

: امر قدسی

Holy, The:

: حاجی میرزائی ، فرزاد، ۱۳۵۳- مترجم

۱۳۹۵ م ۵۱ / ۵۵۵ BL

۲۰۰/۱

۴۳۵۲۳



فرزان

معرفت و امر قدسی

سید حسین نصر

ترجمه فرزاد حاجی میرزائی

چاپ اول، ویراست جدید: ۱۳۹۶؛ تراژ: ۱۳۹۶؛ قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

این کتاب قبل از ویراست جدید، ۳ نوبت توسط ناشر فرزاد روز منتشر شده است.

ناظر چاپ: مجتبی مقدم؛ طراح جلد: سید علی شمشیر

حروف نگاری: شبستری؛ لیتوگرافی: لاله؛ چاپ: صنعت چاپی ناجیک

تمامی حقوق این اثر محفوظ است

تکثیر یا تولید مجدد آن کلی و جزئی به صورت (چاپ - فتوکپی - صوت - تصویر و انتشارات الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و موجب تعقیب قانونی خواهد بود.



میدان ونک، خیابان گاندی شمالی، پلاک ۹، واحد ۱۰

تلفکس: ۸۸۸۲۲۴۷ - ۸۸۸۷۲۴۹۹ - ۸۸۶۷۹۴۴۳

صندوق پستی: ۱۹۶۱۵/۵۷۶

E-mail: info@farzanpublishers.com

www.farzanpublishers.com

ISBN: 978-964-321-434-0

شابک: ۰ - ۴۳۴ - ۳۲۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فهرست

۱	پیشگفتار مترجم بر چاپ پنجم
۵	پیشگفتار
۹	فصل اول: معرفت و تفسیر دای
۵۹	فصل دوم: سنت چیست؟
۸۱	فصل سوم: کشف دوباره امر قدسی: احادی سنت
۱۱۱	فصل چهارم: معرفت قدسی
۱۳۷	فصل پنجم: انسان پرومته‌ای و انسان یاپ‌گرا
۱۶۱	فصل ششم: عالم: تجلی لاهوت
۱۸۷	فصل هفتم: ابدیت و نظام‌گذاری گیتی
۲۱۳	فصل هشتم: هنر سنتی: سرچشمه لطف و معرفت
۲۳۷	فصل نهم: معرفت اصیل و تکرر صور قدسی
۲۶۱	فصل دهم: شناخت امر قدسی: طریق رستگاری

پیشگفتار مترجم بر چاپ پنجم

(درآمدی بر زندگی و آثار مؤلف)

سید حسین نصر در ۱۸ فروردین ماه ۱۳۱۲ در خانواده‌ای سرشناس و فرهیخته در تهران به دنیا آمد. پدر ایشان دکتر سید ولی‌الله نصر که از رجال سیاسی عصر مشروطه و پس از مشروطه بود، در حوزه اندیشه غربی و غربی توانمند و صاحب اثر بود.^۱ وی نماینده پارلمان وقت و بعدها وزیر فرهنگ شد؛ همچنین چندین سال رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود؛ نیز در حوزه فعالیت اجتماعی، یک پزشک حرفه‌ای و زبردست بود. سید حسین نصر در خانواده‌ای نشو و نما پیدا کرد که اهمیت و موقعیت سیاسی مهمی داشت و از جایگاه فرهنگی قابل توجه و برجسته‌ای برخوردار بود؛ جد پدری ایشان که از اطباء مشهور کاشان بود، لقب «نصرالاطباء» گرفته بود و جد مادری ایشان به شیخ فضل‌الله نوری از رجال نفوذ سیاسی آن دوره بازمی‌گشت.

حسین تحصیلات ابتدایی و نیمه متوسطه را در مدارس تهران به پایان رسانید. غیر از معلمانش، مهمترین آموزگاران وی پدر و مادرش بودند. این راه نهایت کوشش و تلاش را به خرج داده‌اند. پدر وی دکتر ولی‌الله نصر در این دوره چشم در جهان فزونیست و حسین پس از پایان نیمی اول متوسطه، برای ادامه تحصیل رهسپار آمریکا شد. وی در مدارس به پدی^۲ یکی از مشهورترین مدارس آمریکا در آن زمان به ادامه دوره متوسطه پرداخت و با اخذ رتبه اول، این دوره را به پایان رسانید. سپس وارد مؤسسه تکنولوژی ماساچوست (M.I.T) در کمبریج شد.

در سال ۱۹۵۴ م. (۱۳۳۳ هـ) در ۲۱ سالگی دوره لیسانس را با درجه ممتاز در رشته فیزیک به اتمام رسانید و سپس وارد دانشگاه هاروارد شد و مدت دو سال در آنجا در رشته ژئوفیزیک و زمین‌شناسی به تحصیل و تحقیق پرداخت. در سال ۱۹۵۶ م. (۱۳۳۵ هـ) در ۲۱ سالگی مدرک فوق لیسانس گرفت.

در همین دوره بود که علاقه نصر به حوزه‌های فلسفه و تاریخ علم افزون شد؛ لذا پس از اتمام این دوره در همین دانشگاه، دوره دکتری را در فلسفه و تاریخ علم آغاز کرد؛ در همین دوره بود که با

۱. کتاب ارزشمند دانش و اخلاق (۱۳۲۸) از آثار ایشان است.

2. Pedy School

۳. این مؤسسه در سال ۱۸۶۱ در کمبریج تأسیس شد و بعدها یکی از مهمترین مؤسسات تحقیقاتی جهان در حوزه فیزیک و علم شد.

دانشمندانی چون جورج سارتون و سر همیلتون گیب از مورخان برجسته علوم، هم‌دانشگاهی بود. همچنین در همین دوره بود که در هاروارد به تدریس مشغول شد و همزمان برای مطالعه و تحقیق به اروپا سفر می‌کرد. دکتر نصر در ۱۹۵۹ م (۱۳۳۷ هـ) در ۲۵ سالگی از این دانشگاه درجهٔ دکتری گرفت و در همین سال به وطن مادری و معنوی خویش بازگشت.

پس از بازگشت در سمت دانشیار تاریخ علوم و فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به کار می‌پردازد. از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ معاون و سپس رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی همین دانشگاه می‌شود و از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۴ رئیس دانشگاه صنعتی بود. در سال ۱۳۵۲ نخستین انجمن فلسفی موسوم به «انجمن حکمت و فلسفه» را پایه‌گذاری می‌کند و تا ۱۳۵۷ رئیس این انجمن به است. هم چنین در سال ۱۳۴۳ به عنوان نخستین استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه آمریکایی بیروت منصوب شد.

دکتر نصر پس از بازگشت به ایران به مطالعهٔ جدی متون اسلامی روی آورده بود و از خدمت و محضر استادانی چون علامه طباطبائی، سید محمد کاظم عصار و آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی بهرهٔ فراوان گرفته بود. در این دوره محافل دوستانهٔ فلسفی مشهوری برگزار شد که از آن میان می‌توان به گفتگوهای میان طبری کریم متفکر و محقق مشهور سوربن و علامه طباطبائی فیلسوف شهیر معاصر اشاره کرد که از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۶ ادامه داشت که دکتر نصر و دکتر شایگان در این محافل نقش مترجم میان علامه طباطبائی و ره‌نمایان کنونی را به عهده داشتند.

پس از انقلاب، دکتر نصر در سال ۱۳۶۰ به ایران استاد مدعو به دانشگاه یوتا رفت و تا سال ۱۹۸۵ استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه تمپل بود و از آن زمان تاکنون استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه جرج واشنگتن است. نصر طی این دوره افتخارات بسیاری به دست آورد. اثر نظر متفکران اسلامی دربارهٔ طبیعت برندهٔ چند جایزه شد. دانشگاه آیداهو به وی دکترای افتخاری اعطا کرد. وی همچنین عضو افتخاری انجمن بین‌المللی فلسفه، عضو هیأت مدیرهٔ فدراسیون فلسفه اجتماعی (FISP)، عضو آکادمی فلسفه در یونان و عضو آکادمی تمنوس نیز است.

دکتر نصر در حوزهٔ تصحیح، نگارش، تدوین و ترجمهٔ بالغ بر ۱۵۳ اثر ۱۰۰ مقاله نوشته است و آثارش به زبانهای مهم دنیا ترجمه شده است. همچنین زندگینامه وی در مجموعه «کتابخانه فیلسوفان زنده جهان» به عنوان تنها فیلسوف مسلمان و ایرانی منتشر شده است. اثری که پیش روی شماست معرفت و امر قدسی از مهمترین آثار دکتر نصر است. دکتر نصر در این اثر به بیان اندیشه‌های خویش در خصوص معرفت و ارتباط آن با امر قدسی و روند تقدس‌زدائی از معرفت در غرب و سپس در شرق می‌پردازد. نصر را در کنار سنت‌گرایانی مانند شوان، گنون و کوماراسوامی و لینگر می‌توان در زمره جدی‌ترین اندیشمندان سنت‌گرای معاصر جهان برشمرد که دغدغه سنت (Tradition) را دارند و نگران از دست رفتن این منبع معرفتی و فرهنگی در جهان جدید هستند.

فکر ترجمه این اثر توسط این قلم به زمانی بازمی‌گردد که دانشجوی دانشگاه تهران بودم و زیر نظر استاد مرحوم مرتضی اسعدی به تحقیق و ترجمه اشتغال داشتم. دکتر اسعدی با علاقه و پیگیری

و آفری به تقویت دانشجویان جوان همت می‌گماشت و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد. این علاقه از آن رو بود که دکتر اسعدی احترام خاصی برای دکتر نصر قائل بود و بهتر است بگویم شیفته دکتر نصر بود و هرگاه نامی از وی برده می‌شد، از خوشحالی به وجد می‌آمد. به همین خاطر بود که کتاب خوش ساخت و جذاب دکتر نصر را تحت عنوان جوان مسلمان و دنیای متجدد به فارسی برگردانده بود که توسط نشر «طرح نو» به بازار آمده بود و منبع معرفی خوبی برای جوانان و نوجوانان در رویارویی با جهان جدید محسوب می‌شد.

سال ۱۳۷۸ که کارشناسی ارشد فلسفه را در دانشگاه تهران به پایان رسانیدم کمتر کسی به دکتر نصر و سنت‌گراها توجه نشان می‌داد. در آن دوره در محافل دانشگاهی صحبت از روشنفکران دینی بود که در دوره اصلاحات نفوذ زیادی در میان دانشگاهها و دانشجویان داشتند و سخنرانی‌های آنها مورد استقبال مثلاً زنی دانشجویان بود. بدین ترتیب با راهنمایی دکتر اسعدی ترجمه این اثر را به اتمام رسانیدم و از دیدگاه اساتیدی مثل دکتر علیرضا بهشتی، دکتر داریوش شایگان در نشر فرزانه روز و دکتر فلاح‌الله مابائی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران بهره گرفتم؛ همچنین تعدادی از دوستانم در آن دوره کمک ارزنده بودند و مرا در آماده‌سازی این اثر یار و یاور بودند که در پیشگفتار چاپ قبلی نام بردم و از ایشان به میان آمده است.

در همان دوره بود که مرحوم دکتر اسعدی، آدرس پستی دکتر نصر را در اختیار بنده گذاشت و من که یک دانشجوی جستجوگر و علاقه‌مند به نامه‌ای به دکتر نصر نوشتم و در آن نامه درخصوص ترجمه کتاب و دشواری‌های آن و نیز مسائل دیگری که در نامه آمده است، از ایشان پرس و جو کردم. دکتر نصر در نهایت محبت و بزرگواری، صاحب این قلم را نواختند و قلم زیبای ایشان یکی از بهترین یادگارهای بنده در طول عمرم می‌باشد که در این چاپ جدید تصویر آن درج شده است.

ترجمه بنده در سال ۱۳۷۸ و در قالب مجموعه «گفتگوی نمادین» که توسط سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت تأسیس شده بود، به طبع رسید؛ در مورد پانویسهای کتاب اصلی توضیحاً اینکه در این کتاب به ترجمه پانوشتهائی اکتفا نمودم که ضروری تر بوده و در مسائل اصلی نیز به اضافه کردن پانوشتهائی از مترجم نیز اقدام کرده‌ام که به‌طور مشخص ذکر شده است. در پایان این پیشگفتار وظیفه خود می‌دانم مراتب قدردانی و سپاس خویش را نسبت به مجموعه تلاشی که در رحمت‌کش نشر فرزانه روز که از ناشران بنام و مجرب حوزه کنونی نشر در ایران است، ابراز نمایم.

پیشگفتار

از زمانی که سخنرانیهای گیفورد^۱ در دانشگاه ادینبورگ^۲ در سال ۱۸۸۹ ارائه گردید، این گفتارها با اسمی شخصی از برجسته‌ترین متألهین، فلاسفه و دانشمندانی در اروپا و امریکا همراه بوده و حاصل آنها کتابی هستند که نفوذ وسیعی در جهان جدید داشته‌اند. به علاوه بیشتر این آثار حاوی اندیشه‌های نوین و ویژه‌ای بود که مشخصه جهان غرب بعد از رنسانس است و از قرن اخیر در شرق نیز گسترش یافت. بنابراین چهار سال پیش وقتی برای ارائه این سخنرانیهای معتبر دعوت شدم، نه تنها افکار بخاری شخصی را برایم به همراه داشت، بلکه موقعیتی دست داد تا دیدگاه سنتی تمدنهای غربی را از نظر اخلاقی و فکری که نخستین بار برای ارائه آنها دعوت شدم و این دعوت را پذیرفتم، به خاطر اینکه نخستین فرد مسلمان و در واقع شرقی هستم (از تقریباً یک قرن پیش که سازمانهای گیفورد در ادینبورگ شروع شد) که موقعیتی برایم پیش آمد تا این سخنرانیها را ارائه دهم، این را وظیفه خود می‌دانم که نه با تفسیری دست دوم از تفکرات و ایسمهای غربی در لباس شبه شرقی — که امروزه رایج است — بلکه با نگرشی جهانی که از آن ماست، این سخنرانیها را در معرض دید خوانندگان غربی قرار دهم تا بعضی جوانب آن حقیقتی که در قلب سنتهای شرقی و در واقع تمام سنتها — چه شرقی و چه غربی — جای دارد، اشاعه یابد.

معرفت همیشه در شرق با امر قدسی و کمال روحانی توأم بوده است. دانستن نهایتاً یعنی تغییر و تبدل یافتن طی فرآیند شناخت، همان‌گونه که سنت غربی در طول قرنهای چنین بوده است؛ اما امانیزم و دنیوی‌سازی^۳ بعد از قرون وسطا که جدایی معرفت از هستی و تعقل از امر قدسی را شدت بخشید، بر آن سایه افکند. حکمت شرقی همواره نماد تکامل معنوی

۱. Lord Gifford، کشیش اسکاتلندی، مؤسس سلسله سخنرانیهایی راجع به الهیات طبیعی. [م]

2. Edinburgh

3. secularization

بوده است و تعقل نهایتاً یک امر قدسی شمرده می‌شد. معرفت به‌طور قطع با امر قدسی و تحقق آن در وجود شخص متعلم مربوط بوده است. این ارتباط علی‌رغم عواقب غیرمنتظره جهان جدید، هرجا و هر زمانی که سنت به حیات خود ادامه دهد، تداوم خواهد یافت.

در طول دو قرن گذشته تعداد بی‌شماری از متعلمان غربی که درباره شرق تحقیق می‌کنند، **عامدانه و غیرعامدانه**، توسط «تاریخی‌نگری»^۱، «تکامل‌گرایی»^۲، «علم‌گرایی»^۳ و ابزارهای دیگر در فرآیند غیرمذهبی‌سازی شرق و تخریب سنت آن، از طریق تفسیر تعلیمات قدسی‌اش شرکت داشته‌اند، به‌طوری که امر قدسی^۴ به یک امر پیش‌پاافتاده^۵ فروکاسته شده است. معادله شرق به وسیله تعداد زیادی از کسانی که «مستشرق» نامیده شده‌اند و تکانه‌های گوناگون سکولاریزم در غرب، نفوذ زیادی در آنها داشته است، به‌دور از اینکه صرفاً یک پدیده بی‌ضرر و مفرغ^۶ دانش تلقی شود، نقش زیادی در تبدل موضوع مطالعاتشان داشته است. با علاقه‌مندی که ششهای عالمانه بندرت به‌خاطر علاقه به موضوع یا بلندنظری صورت گرفته است. این حال، تعداد قابل توجه و قابل احترامی از این کوششها که از سر عشق صورت گرفته و مسالعات ارزشمندی را درباره جوانب مختلف تمدن شرق به وجود آورده، استثنا محسوب می‌شوند. غالب آثار عالمانه مدرنی که به شرق مربوط می‌شوند، در واقع، میوه یک عقل جزئی^۷ می‌باشند که سنتهای قدسی را مورد مطالعه قرار داده است.

هدف ما در کتاب حاضر به یک معنا، رکشت این فرآیند بوده است. این هدف از طریق تجدید ویژگی قدسی معرفت و احیای سنت عقلانی و واقعی غرب به کمک سنتهای همیشه‌زنده شرق - جایی که معرفت هیچ‌گاه از امر قدسی جدا نشد - دنبال شده است. پیش از هر چیز، مقصود ما، جنبه‌ای از حقیقت است که در سنت عقلانیت جای دارد؛ دومین هدف ما احیای دیدگاه عقلانی^۸ در غرب است که بدون آن هیچ تمدن صاحب‌نامی نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. اگر طی این فرآیند تعدادی از جوانب پدیده‌های غرب را شدیداً مورد انتقاد قرار می‌دهیم، به‌خاطر تحقیر و تنفر یا گونه‌ای از «باخترنگری»^۹ نیست که صرفاً نقش گونه خاصی از استشرق را معکوس می‌کند، استشرافی که اگر تماماً در صدد تخریب الگوهایی که در طول دورانها، شرق را متمایز ساخته‌اند بر نیاید، [اما] شرق را به امید دگردیسی الگوهای قدسی زندگیش، مطالعه می‌کند. با انتقاد از آنچه از چشم‌انداز سنتی، خطای محض و آشکار محسوب می‌شود، می‌کوشیم که از سنت طلایی غرب دفاع کرده و بار

1. historicism

2. evolutionism

3. scientism

4. the sacred

5. profane

6. objective

7. reason

8. intellectual

9. occidentalism

دیگر حکمت خالدهای^۱ را احیا نماییم که هم جاودان و هم جهانی است و انحصاراً نه به شرق اختصاص دارد و نه به غرب.

زمانی که دعوت شدم تا در سلسله سخنرانیهای گیفورد شرکت کنم، در پناه دامنه‌های شمالی کوههای شگفت‌آور البرز به سر می‌بردم؛ اما متن این سخنرانیها در جایی نگاشته شد که جنگلهای سبز و دریا‌های آبی ساحل شرقی ایالات متحد، در دیدرس آن قرار داشت، نه در کنار آن قُلل رفیع [البرز]. بدون شک آدمی در معنا می‌زید، نه در زمان و مکان. علی‌رغم بی‌نظمیهای باورنکردنی و آشفتگیهایی که در طول این مدت در زندگی شخصی‌ام رخ داد - از جمله فقدان کتابخانه شخصی و یادداشت‌های مقدماتی این اثر - آنچه در صفحات آتی خواهد آمد، سبباً نمرهٔ دانه‌ای است که در ابتدا به‌خاطر اعتقاد به آن ارائه سخنرانیها را پذیرفتم؛ [این سخنرانیها] نشان از تداوم یک فکر با تکوین فکری این اثر می‌باشد، اگرچه شرایط انسانی زمان این اثر آشکارا در دورهٔ تحقق ایده اصلی‌اش، تغییر یافت.

از آنجا که این اثر عمدتاً هم‌زمان با هم‌زمانی متافیزیکی باشد و هم دانش‌ورانه، دارای متنی است که دربرگیرندهٔ سخنرانیهای ارائه‌شدهٔ اصلی و همین‌طور پی‌نوشت‌های مبسوطی است که مکمل متن هستند و راهنمای کسانی خواهد بود که مجذوب بحثها و موضوعات مندرج در متن گشته‌اند. با پایان یافتن این سخنرانیها در پایتخت شاهانه اسکاتلند - در فصل بهار که شهر ادینبورگ غرق در گل‌های زیبا بود - پیش از پیش ضرورت این پی‌نوشت‌های نسبتاً مبسوط، احساس گردید. علی‌رغم این حقیقت که طرز این مباحثات براساس دیدگاهی سنتی بود و با دیدگاه اغلب سخنرانیهایی که در سلسله سخنرانیهای گیفورد در طول سالیان دراز ارائه گشته بود، تفاوت داشت، واکنش دوستانهٔ حاضران و شنیدنی‌هایی که بعد از ارائه سخنرانیها با اعضای آن انجام شد نشان از اشتیاق و علاقهٔ بسیار برای دنبال کردن مباحثات مطرح‌شده در این کتاب داشت.

در آماده‌سازی این اثر مدیون تمامی بزرگان سنتی در شرق و غرب هستم، که در طول این سالها من را به آبخشور و سرچشمهٔ معرفت قدسی^۲ راهنمایی کردند، به‌ویژه از فریتهوف شوآن^۳ که تفصیلات بی‌نظیر، اگرچه ناقص‌اش از تعلیمات سنتی در صفحات آتی این کتاب آمده است، قدردانی می‌کنم. همچنین می‌خواهم از خانم کاتلین او برین^۴ که در آماده‌سازی دست‌نوشتهٔ این اثر برای چاپ، ما را یاری نمودند، تشکر کنم.

1. sophia perennis

2. Sacred Knowledge

3. Frithjof Schuon

4. Kathleen Ó Brien